

تأثیر متغیرهای اجتماعی بر تنوعات واکه‌ای گویش‌های اجتماعی فارسی در نهبندان

عباسعلی آهنگر^{۱*}، محبوبه شاهسوار^۲

۱. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری آموزش زبان انگلیسی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۴

The Effect of Social Variables on Vowel Variations of Sociolects of Persian in Nehbandan

Abbas Ali Ahangar^{*1}, Mahboube Shahsavar²

1. Associate Professor of Linguistics, University of Sistan and Baluchestan

2. PhD in Teaching English as a Foreign Language

Received: 2018/09/30 Accepted: 2019/02/23

Abstract

Different speakers of Persian varieties have sociolects developed due to various social variables. The present descriptive-analytic study aims at describing vowel variations of Nehbandani dialect of Persian and investigating the effect of social variables including gender, age and education on the use of the given variations. Having interviewed the informants, the relevant vowel variations were extracted from the recorded speech of 24 qualified adolescents, young and old speakers. Due to the high rate of immigration to this area, the samples were selected purposefully. After transcribing their speech, the frequency of the recurrent vowel variations was determined and the remaining variations were just described. The results showed that education played an important role in distinguishing the speech of different speakers. Females' speech in both literate and non-literate groups, with the exception of non-literate old women, was closer to the standard Persian. In young and old speaker groups, aging had different results with regard to different vowel variations. The results also revealed that adolescents rarely used some variations having historical roots. However, concerning variations with no historical origin, they used more non-standard forms. It was also found that gender played an important role in differentiating the speech of male and female speakers. The speech of adolescent girls having literate and non-literate parents was closer to standard Persian than the boys of the same group. Therefore, it can be concluded that sociolects occur even in small language communities speaking their own speech variety and having high language solidarity.

Keywords: Vowel Variations, Sociolect, Gender, Age, Education, Nehbandan, Sociolinguistics.

چکیده

گویشوران مختلف گونه‌های زبان فارسی دارای گویش‌های اجتماعی هستند که تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرند. پژوهش حاضر، که از نوع توصیفی-تحلیلی است، قصد دارد تنوعات واکه‌ای فارسی معیار در گویش نهبندانی را توصیف و تأثیر عوامل اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات بر میزان استفاده از آن‌ها را بررسی و تحلیل نماید. به این منظور، گفتار ۲۴ گویشور نوجوان، جوان و مسن نهبندانی واجد شرایط، به منظور استخراج تنوعات واکه‌ای مربوط، به روش میدانی (مصاحبه) ضبط و سپس آوانویسی شد. نمونه‌ها به دلیل مهاجرپذیر بودن منطقه به صورت هدفمند انتخاب شدند. آن‌گاه فراوانی آن دسته از تنوعات واکه‌ای، که در گفتار گویشوران بسامد وقوع بالایی داشتند، تحلیل و بقیه تنوعات فقط توصیف گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد تحصیلات عامل مهمی در شکل‌گیری گویش اجتماعی است. گفتار جنس مونث در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، به‌جز زنان مسن بی‌سواد، به فارسی معیار نزدیک‌تر است. افزایش سن در گروه جوانان و گویشوران مسن، در تنوعات واکه‌ای مختلف نتایج متفاوتی در بر داشته است. نتایج، همچنین، آشکار ساخت که نوجوانان در برخی تنوعات مورد مطالعه که ریشه تاریخی داشتند، درصد کمتر و در بقیه موارد درصد بیشتری از صورت‌های غیر معیار را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مشخص شد جنسیت نقش مهمی در تمایز گفتار گویشوران دارد. در گروه نوجوانان، گفتار دختران نوجوان، در هر دو گروه دارای والدین باسواد و بی‌سواد، نسبت به پسران همان گروه‌ها به فارسی معیار نزدیک‌تر است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که گویش‌های اجتماعی فارسی حتی در جوامع زبانی کوچکی که به گونه زبانی محلی خودشان صحبت می‌کنند و همبستگی زبانی آن‌ها زیاد است نیز وجود دارند.

کلیدواژه‌ها: تنوعات واکه‌ای، گویش اجتماعی، جنسیت، سن، تحصیلات، نهبندان، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

استان‌های سیستان و بلوچستان و از غرب به کرمان محدود است.

با توجه به کوچک بودن جامعه زبانی نهبندان و همبستگی زبانی گویشوران آن، به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی تأثیر چشمگیری در تنوع گویش‌های اجتماعی نداشته باشد. از طرفی تحقیقات قبلی نشان می‌دهد تنوعات واکه‌ای این گویش قبلاً مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین ترتیب پژوهش حاضر در صدد است ضمن توصیف تنوعات واکه‌ای، به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مختلف شامل سن، جنسیت و تحصیلات بر ایجاد این نوع تنوعات در گویش نهبندانی بپردازد.

پیشینه پژوهش

یکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار در ایجاد گویش‌های اجتماعی جنسیت گوینده است. به اعتقاد لباو (۲۰۰۱: ۲۹۴) مردان کمتر از زنان خود را با معیارهای اجتماعی-زبانی ثابت وفق می‌دهند و زمانی که تغییری در نظام زبانی در حال وقوع است، بیشتر از زنان خود را با این تغییرات سازگار می‌کنند. ترادگیل (۱۹۷۴)، به نقل از چمبرز و ترادگیل، (۱۹۹۸: ۶۱) در پژوهش خود در نیرویج مشاهده کرد که در همه طبقات اجتماعی، مردان بیشتر از زنان از متغیر [n] صورت زبانی [ng] که وجهه کمتری دارد، استفاده می‌کنند. این الگو در بسیاری از مطالعات دیگری که درباره تنوعات زبانی انجام شده نیز مشاهده شده است؛ یعنی، چنانچه شرایط دیگر یکسان باشد، به طور میانگین زنان نسبت به مردان به استفاده از تنوعات دارای وجهه گرایش بیشتری دارند.

یکی دیگر از متغیرهای اجتماعی که در تحقیقات زبان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و در ایجاد گویش‌های اجتماعی نقش دارد، سن است. به اعتقاد چمبرز و ترادگیل (۱۹۹۸: ۷۹) کوچک‌ترها به شدت تحت تأثیر فشارهای اجتماعی گروه همسالان بوده و به لحاظ زبانی بیشتر از دیگران تحت تأثیر دوستانشان هستند. در نتیجه، تأثیر زبان معیار بر آن‌ها اندک است. اما همین که آن‌ها بزرگ‌تر شده و وارد محیط کار می‌شوند، پا به عرصه شبکه اجتماعی وسیع‌تری می‌گذارند و بیشتر تحت تأثیر ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در اجتماع قرار می‌گیرند و نیاز به موفق شدن و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارند. در نتیجه، به لحاظ زبانی، در این دوره بیشتر تحت تأثیر زبان معیار هستند.

زبان پدیده‌ای ایستا نیست و پیوسته در حال تغییر است؛ این تغییرات در دو محور جغرافیایی و اجتماعی، به صورت مجموعه‌ای از متغیرها، عینیت می‌یابد (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۱۰). گذشته از عامل جغرافیایی، عوامل اجتماعی گوناگون نیز ممکن است در پیدایش، حفظ یا گسترش تفاوت‌های زبانی نقش داشته باشند. بنابراین، در چارچوب هریک از گویش‌ها یا لهجه‌های جغرافیایی، گونه اجتماعی نیز مطرح می‌شود و باید مورد بررسی قرار گیرد (مدرسی، ۱۳۹۸: ۱۴۷). در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی، تحقیقات لباو^۱، ترادگیل^۲ و دیگران به توصیف ویژگی‌های گفتاری اعضای گروه‌های اجتماعی، که همان گویش‌های اجتماعی^۳ هستند، می‌پردازد (وارداف^۴، ۲۰۰۶: ۱۵۱). گویش اجتماعی به تفاوت‌های زبانی غیر جغرافیایی مربوط می‌شود (هادسن^۵، ۱۹۹۶: ۴۲). جنسیت، سن و طبقه اجتماعی از جمله عواملی هستند که در ایجاد تنوعات زبانی (گویش‌های اجتماعی) نقش دارند (لباو، ۲۰۱۰: ۲۱؛ وارداف، ۲۰۰۶: ۱۷۶؛ هادسن، ۱۹۹۶: ۴۲). پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات در جامعه زبانی کوچکی همچون نهبندان با جمعیت شهری ۲۱۸۳۱ نفر در سال ۱۳۹۴ بپردازد.

نهبندان به اقتضای موقعیت طبیعی آن و مجاورت با کویر، در دشتی نسبتاً وسیع واقع شده است. جغرافی‌نویسان قدیم عرب شهر "نه" یا "نیه" را از شهرهای سیستان شمرده‌اند. چنانچه در بخشی از کتاب تاریخ یعقوبی، که مربوط به وقایع قرن دوم هجری است، آمده، زمانی که جمعی دعوت هاشمیون را لیبیک گفته و بر حکومت وقت شوریدند، برای سرکوب انقلابیون در منطقه سیستان، شهر "نه" محلی بود که برای استراحت و پشتیبانی مورد استفاده قرار می‌گرفت (محمودی، ۲۰۱۵: ۱۳). شهرستان نهبندان با وسعت ۲۶۰۰۰ کیلومتر در جنوبی‌ترین نقطه استان خراسان جنوبی در ناحیه کویری تقریباً خشک و کم‌آب واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان بیرجند، از شرق به کشور افغانستان و شهرستان زابل و از جنوب به

1. Labov
2. Trudgill
3. sociolect
4. Wardhaugh
5. Hudson

6. Chambers

هجا، عناصر ساخت-واژی و نحوی در گویش نهبندانی، نشان دادند که افزایش سن در گفتار گویشوران تحصیل کرده با افزایش استفاده از صورت‌های معیار همراه است. از طرفی، پژوهش مدرسی (۱۹۷۸، به نقل از لباو، ۲۰۰۱: ۲۷۰) نشان داد در تهران، در همه طبقات اجتماعی، زنان بیشتر از مردان از گونه محاوره‌ای [ʃ] [æ] و [aʃ] و [an] استفاده می‌کنند. علاوه بر این، مطالعه جهانگیری (۱۹۸۰، به نقل از لباو، ۲۰۰۱: ۲۷۰) در تهران نشان داد که زنان در ۱۲ مورد از ۱۴ مورد تنوعات زبانی مورد مطالعه، از کاربرد صورت‌های کم‌اعتبار خودداری می‌کنند. به عنوان مثال، وی در میان زنان و مردان درصدهای مشابهی در میزان فراستگی 'an' به 'un' در کلمه "تهرون" ملاحظه کرد و در یک مورد از تنوعات زبانی، حذف همخوان چکانایی [ʔ]، نیز ملاحظه نمود که حذف همخوان در زنان بیشتر از مردان صورت گرفته است. از آنجا که پژوهش وی تفاوت بین گفتار مردان و زنان تهران را به وضوح نشان می‌دهد، همواره مورد توجه بوده است (واردها، ۲۰۰۶: ۳۲۱).

جهانگیری در پژوهش خود درباره فارسی گفتاری در تهران، چهار طبقه اجتماعی دارای تحصیلات دانشگاهی، دبیرستانی، ابتدایی و فاقد تحصیلات در دو جنس مونث و مذکر را مورد مطالعه قرار داده است. یکی از تنوعاتی که وی در پژوهش خود بررسی کرده است همگونی واکه [e] با واکه [o]، که در هجای مجاور قرار دارد، است. وی ملاحظه کرد که درصد همگونی در افراد طبقه بالای دارای تحصیلات دانشگاهی کمتر از سایر افراد است (جهانگیری، ۱۹۸۰؛ به نقل از واردها، ۲۰۰۲: ۱۷۹؛ هادسن، ۱۹۹۶: ۱۷۸-۱۷۹). پژوهش مدرسی نشان داد که در تهران، فراستگی واکه /a/ و تبدیل آن به [o:] و [u:] قبل از همخوان‌های خیشومی، در گفتار افراد تحصیل کرده کمتر بوده است. این در حالی است که نتایج پژوهش وی در قزوین برعکس بود؛ یعنی، افراد تحصیل کرده از این صورت تغییر یافته بیشتر استفاده کرده‌اند. (مدرسی، ۱۹۷۸؛ به نقل از لباو، ۲۰۱۰: ۳۱۴).

روش پژوهش

داده‌های این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مصاحبه جمع‌آوری شده است و جامعه زبانی مورد مطالعه آن را گویشوران جنس مونث و مذکر در سه گروه سنی نوجوانان (۷-۱۲) دارای والدین باسواد و بی‌سواد، جوانان (۳۰-۲۵) و

از طرف دیگر، برای مسن‌ترها و افراد بازنشسته، فشارهای اجتماعی کم می‌شود. چرا که آن‌ها قبلاً موفقیت و عدم موفقیت را تجربه کرده‌اند و شبکه اجتماعی آن‌ها ممکن است بار دیگر محدودتر شده باشد. افزایش صورت‌های معیاری که با بزرگسالی همراه است، در تحقیقات زیادی تأیید شده است. با وجود این، ترادگیل (۱۹۷۴)، به نقل از چمبرز و ترادگیل، (۱۹۹۸: ۷۹) در پژوهش خود در نیرویچ مشاهده کرد که بیشترین تغییرات زبانی به جوان‌ترین و مسن‌ترین افراد و کمترین آن‌ها به میان‌سالان مربوط می‌شود.

از دیگر متغیرهای اجتماعی که در شکل‌گیری گویش‌های اجتماعی نقش دارد، طبقه اجتماعی است. طبقه اجتماعی مفهومی اصلی در تحقیقات زبان‌شناسی اجتماعی و در واقع، یکی از معدود متغیرهای اجتماعی است که جوامع زبانی را بر اساس آن طبقه‌بندی می‌کنند (اش، ۲۰۰۶: ۴۰۲). به اعتقاد لباو (۲۰۰۱: ۱۱۲) عامل اصلی تنوعات ثابت زبانی-اجتماعی طبقه اجتماعی است: هر چه موقعیت اجتماعی گوینده در مقیاس اجتماع بالاتر باشد، فراوانی صورت‌های غیر معیار کمتر است.

طبقه اجتماعی از مهم‌ترین ملاک‌هایی است که برای طبقه‌بندی اعضای یک جامعه و تعیین نقش اجتماعی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهشگران متفاوت همواره از عوامل مختلفی برای نشان دادن طبقه اجتماعی افراد بهره برده‌اند. برخی عواملی مانند شغل، میزان درآمد، محل سکونت و غیره را برای تعیین طبقه اجتماعی معرفی کرده‌اند (مدرسی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). در پژوهش حاضر، معیار تعیین طبقه اجتماعی تحصیلات است و به منظور تعیین طبقه اجتماعی نوجوانان، تحصیلات والدین آن‌ها مد نظر قرار گرفته است. در یک جامعه زبانی هر چه درجه تحصیلات افراد بالاتر باشد، بخش گسترده‌تری از پیوستار سبکی یا گنجینه زبانی در اختیار آن‌ها قرار دارد. گروه‌های تحصیلی پایین، دارای پیوستار سبکی بسته‌ای هستند و امکانات زبانی محدودتری در اختیار دارند؛ از این رو، در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، از گونه سبکی کم و بیش ثابتی استفاده می‌کنند (مدرسی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

با توجه به اهمیت متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات در ایجاد گویش‌های اجتماعی، زبان‌شناسان ایرانی نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند؛ برای نمونه، نگارندگان (۱۳۹۳: ۴۰) در بررسی تغییرات اجتماعی عناصر زبانی ساخت

۲. در این پژوهش به منظور نشان دادن واج‌نوشته‌ها از علائم آوایی بین‌المللی استفاده شده است.

آن‌ها تنوع واکه‌ای [a] و جایگزینی آن با [u] مشاهده شده است ۸۰ باشد، آن گاه k برابر است با ۸۰ و چنانچه از این تعداد، ۵۰ مورد با [u] جایگزین شده باشد آن گاه n برابر است با ۵۰. در این مقاله، از بین تنوعات زبانی مختلف، تنها به بررسی و تحلیل تنوعات واکه‌ای پرداخته شده است. در این راستا، تنها رابطه آن دسته از تنوعات واکه‌ای که بسامد وقوع بالایی داشتند، با متغیرهای اجتماعی همچون سن، جنسیت و تحصیلات در قالب جدول‌های آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در مورد سایر تنوعات واکه‌ای فقط به توصیف و ذکر آنان بسنده شده است. قابل ذکر است پژوهش حاضر با الهام از پژوهش لباو (۲۰۰۶) در نیویورک انجام شده است.

توصیف و تحلیل تنوعات واکه‌ای^۳

تنوعات واکه‌ای مشاهده شده در گفتار گویشوران نهبندانی در قالب جایگزینی یک واکه با واکه دیگر و برحسب جهت تغییرشان به فرایندهای افراستگی، افتادگی، پیشین‌شدگی و پسین‌شدگی واکه‌ای تقسیم شده‌اند.

بررسی تنوعات واکه‌ای بر حسب افراستگی واکه

در این بخش، تنوعات واکه‌ای در جایگاه‌های مختلف هجا بر حسب افراستگی واکه بررسی خواهند شد.

جایگزینی [æ] با [i]

این تنوع واکه‌ای در جایگاه میانی هجای CVC و CVCC و در گفتار گویشوران مختلف مشاهده شده است.

افراستگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [i] در میان هجایی که به یک همخوان یا خوشه همخوانی ختم شده است وقوع یافته است. قابل ذکر است این تنوع واکه‌ای در فارسی معیار نیز در کلماتی همچون [atæf] و [kutfæk] مشاهده شده است.

i. [sæng]	سنگ	→	[sing ^۴]
ii. [pændzəh]	پنجاه	→	[pindzəh]
iii. [atæf]	آتش	→	[atij]

۳. در مواردی که بسامد وقوع واژه‌های دارای تنوعات واکه ای کم بوده است، از ارائه جدول و تحلیل آماری صرف نظر و فقط به توصیف آن‌ها بسنده شده است.

۴. قابل ذکر است مثال‌های کلمه‌ای و جمله‌ای تنها به منظور نشان دادن تنوعات واکه‌ای و برای نمونه آمده است و بدان معنا نیست که آن متغیر خاص تنها در گفتار آن فرد مشاهده شده است.

افراد مسن بالای ۵۰ سال باسواد و بی‌سواد تشکیل می‌دهند. برای بررسی تأثیر سن بر گفتار گویشوران، گفتار نوجوانان با گفتار گویشوران مسن مقایسه شده است. به علاوه، به منظور بررسی بیشتر تأثیر متغیر اجتماعی تحصیلات بر کاربرد تنوعات واکه‌ای مورد نظر و ایجاد گویش اجتماعی، میزان تحصیلات والدین نوجوانان نیز مورد توجه قرار گرفته است. گویشوران نیز به دلیل مهاجرپذیر بودن شهرستان، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند تا از بکارگیری تصادفی مهاجران به عنوان نمونه جلوگیری شود. جمع‌آوری داده‌های زبانی در این پژوهش در دو مرحله مصاحبه صورت گرفته است؛ در مرحله اول، شناسایی تنوعات واکه‌ای در گویش نهبندانی و در مرحله دوم، بررسی توزیع آن‌ها بین گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی و تحصیلی مورد نظر بوده است. به منظور جمع‌آوری داده‌های زبانی اصلی، طی مصاحبه‌ای ۳۳۷ دقیقه‌ای، گفتار ۲۴ گویشور^۱ (۱۲ نفر مؤنث، ۱۲ نفر مذکر) در گروه‌های سنی نوجوان، جوان و مسن و در دو گروه باسواد و بی‌سواد به روش مصاحبه و گفتار آزاد ضبط شد و به منظور تکرار تنوعات در گفتار تمامی گویشوران، از آن‌ها بر حسب سن و جنسیت سؤال‌های مشابهی پرسیده شد و گاهی نیز گفتار آن‌ها به صورت آزاد ضبط شد. پس از واج‌نویسی گفتار آزمودنی‌ها، فراوانی^۲ آن دسته از تنوعات به دست آمده از مرحله اول، که در بین گروه‌های مختلف توزیع بالایی داشتند، با استفاده از فرمول آماری درصد فراوانی $X = \frac{n}{k} \times 100$ تعیین شد. در این فرمول n برابر با تعداد کل کلماتی است که وضعیت بالفعل متغیر اجتماعی را دارا هستند (یعنی صورت‌هایی که تحت تأثیر عوامل اجتماعی نسبت به فارسی معیار تغییر یافته‌اند) و k تعداد کل کلماتی است که وضعیت بالقوه و بالفعل متغیر اجتماعی را دارا هستند (یعنی صورت‌های تغییر یافته و تغییر نیافته یک تنوع واکه‌ای خاص)؛ برای مثال، چنانچه تعداد کل کلماتی که در

۱. با توجه به کوچک بودن جامعه زبانی نهبندان و کمبود گویشوران مسن تحصیل کرده ساکن این شهرستان برای حفظ تعادل در تعداد گویشوران گروه‌های مختلف به‌ناچار به این تعداد بسنده شده است.

۲. منظور از فراوانی، تعداد دفعات وقوع تنوع زبانی در گفتار گویشوران نهبندانی می‌باشد؛ مثلاً، چنانچه تعداد کل وقوع تنوع واکه‌ای [æ] در جایگاه میان هجا در گفتار گویشوران ۱۰۰ باشد و در ۵۰ مورد این تنوع واکه‌ای با [i] جایگزین شده باشد، آن گاه فراوانی جایگزینی تنوع واکه‌ای [æ] با [i] ۵۰ است.

[b]، [f] و [v] در پایانه هجا تضعیف و به [w] تبدیل شده‌اند. آن‌گاه مشخصهٔ پسین همخوان [w] به واکهٔ هسته گسترده شده و آن را به واکه‌ای پسین تبدیل نموده است و در واقع نوعی همگونی صورت گرفته است. از طرفی، افراشته بودن همخوان [w] نیز بر واکهٔ قبلی تأثیر گذاشته است که در این فرایند واکهٔ افتاده [æ] افراشته- پسین و واکهٔ افتاده [a] نیز افراشته‌تر شده و به واکهٔ میانی [o] تبدیل شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان گفت در گویش نهبندانی نیز پس از اعمال فرایند تضعیف همخوان‌های لبی غیر خیشومی [b] و [f] و تبدیل آن‌ها به [w]، ویژگی پسین بودن و افراشته بودن این همخوان‌ها به واکهٔ قبل از آن گسترده می‌شود و همخوان [æ] به [o] تبدیل می‌شود و در نهایت نمونه‌های (۵) به وجود می‌آیند؛ آن‌گاه واکهٔ مرکب [ou] ساده شده و به [o] تبدیل می‌شود و واکهٔ پسین [o] بار دیگر پیشین و با [e] جایگزین شده است. قابل ذکر است در نمونه‌های (i) و (ii) با توجه به این که صورت [souz] در گفتار گویشوران مشاهده نشده است نمی‌توان با قطعیت گفت این نمونه‌ها هم دچار فرایند تضعیف شده‌اند. در مورد این نمونه‌ها می‌توان گفت واکه پس از حذف همخوان دچار دگرگونی و کشش شده است. سیر تغییرات ذکر شده در واژه [fæb] در زیر آمده است. گفتنی است هر یک از موارد زیر در گفتار گویشوران نهبندانی مشاهده شده است.

6) i. [fæb] شب → [fou] → [fo] → [fe:]

جایگزینی [e] با [i]

این واکه در گویش نهبندانی در دو جایگاه میان و پایان هجا میل به افراشته‌گی دارد و با [i] جایگزین شده است.

الف- میان هجا

افراشته‌گی واکه [e] و جایگزینی آن با [i] در پیکرهٔ زبانی به دست آمده از گویشوران نهبندانی در هجای CVC، پیش از همخوان‌های سایشی [s] و [ʃ] مشاهده شده است.

7) i. [besjar] بسیار → [bisjar]

ii. [tʃeʃme] چشمه → [tiʃme]

8) i. [besjar qeʃr-e tæhsilkærd-e ja daneʃgah-i dar-æd] فارسی معیار

ii. [bisjar ʁeʃr-e tæhsilkærd-e ja daneʃgah-i dar-e] زن جوان باسواد

2) i. [bajæd tʃehel pændʒah ta long rise be-kon-æd]

فارسی معیار^۱

ii. [bajæd tʃel pindʒah ta long risæ be-kn-æ]

مرد مسن بی‌سواد

جایگزینی [æ] با [e:]

این تنوع واکه‌ای در میان هجا و تنها در گفتار گویشوران گروه بی‌سواد مشاهده شده است.

الف- میان هجا

افراشته‌گی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e:] در میان هجایی که به یک یا دو همخوان ختم می‌شود مشاهده شده است.

3) i. [sæbzi] سبزی → [se:zi]

ii. [sæbz] سبز → [se:z]

iii. [kæʃʃ] کفش → [ke:ʃ]

iv. [fæb] شب → [fe:]

4) i. [qæblæn ke hættə jek kilu sæbz-i hæm pejda ne-mi-ʃod-e 'æst] فارسی معیار

ii. [ɣæblæn ke hættə jek ke:li se:z-i jæ pe:da ne-mi-ʃd-æ] زن جوان بی‌سواد

علاوه بر نمونه‌های بالا موارد زیر نیز در گفتار

گویشوران مشاهده شده است.

5) i. [fæb] شب → [fou²]

ii. [kæʃʃ] کفش → [kouʃ]

با توجه به مشاهده شدن نمونه‌های (۵) در گفتار گویشوران

نهبندانی می‌توان گفت در نمونه‌های (iii) و (iv) شماره (۳) فرایند تضعیف صورت گرفته است. این فرایند را که کرد زعفرانلو (۱۳۸۵: ۲۱۱-۲۰۸) در چهار گویش زابلی (سیستانی)، قاینی، قوچانی و بیرجندی مشاهده کرده است، این گونه بیان می‌کند که در این گویش‌ها همخوان‌های لبی غیر خیشومی

۱. با توجه به این که صورت فارسی معیار نوشتاری کمتر در معرض تغییر قرار دارد و از ثبات لازم در مناطق مختلف جغرافیایی برخوردار است و همچنین در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد، در این مقاله سعی شد که از این گونه برای مقایسهٔ گفتار گویشوران نهبندانی استفاده شود.

۲. از آنجا که در پژوهش حاضر برای نشان دادن واج‌نوشته‌ها، علائم آوایی بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است، به جای نشانه [ow]، که در بیان فرایند تضعیف توسط کرد زعفرانلو استفاده شده و در منبع اصلی آمده است، از [ou] استفاده شده است.

ب- پایان هجا

افراشتگی واکه [e] و جایگزینی آن با [i] در جایگاه پایان هجا پس از همخوان‌های غلت [j]، سایشی [h]، [z] و [s]، انسدادی-سایشی [tʃ] و همخوان‌های انسدادی [k] و [g] مشاهده شده است. همچنین این افراشتگی در واژه قرضی [telefon] که از زبان فرانسه گرفته شده است، پس از همخوان روان [l] صورت گرفته است.

[m] و روان [r] مشاهده شده است.

- 13) i. [ra] → [ro] را
 ii. [ma] → [mo] ما
- 14) i. [hæme ra mi-bær-ænd] فارسی معیار
 ii. [hæmæ ro mi-bær-æn] زن مسن باسواد

شایان ذکر است صورت زبانی [ro] تنها در گفتار گویشوران زن مسن باسواد، آن هم با بسامد کم مشاهده شده است و گویشوران بیشتر از صورت‌های [ræ] و [re] به جای نشانه مفعولی [ra] استفاده کرده‌اند.

جایگزینی [o] با [u]

افراشتگی واکه [o] و جایگزینی آن با [u] در دو جایگاه میان و پایان هجا صورت گرفته است.

الف- میان هجا

افراشتگی واکه [o] و جایگزینی آن با [u] در جایگاه میان هجای CVC، پس از همخوان‌های انسدادی [k] و انسدادی-سایشی [tʃ] صورت گرفته است.

- 15) i. [kot] → [kut] کت
 ii. [tʃon] → [tʃun] چون
 iii. [be-kon] → [kon] ~ [ku] بکن

در فعل امر [be-kon] پیشوند التزامی [be-] و همخوان [n] پایانی حذف شده است.

- 16) i. [dohol væ saz mi-'avær-ænd væ mi-zæn-ænd] فارسی معیار
 ii. [dul o saz m-(j)-ar-e 'o mi-zæn-e] مرد مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

این تنوع واکهای در پایان هجا پس از همخوان انسدادی [d] و همخوان روان [r] در واژه‌های زیر مشاهده شده است.

- 17) i. [bo-ro] → [b-ru] برو
 ii. [do] → [du] دو
 iii. [kado] → [kadu] کادو
- 18) i. [jek bæftʃe do mah-e] فارسی معیار
 ii. [jæg bæftʃe dum mah-e] زن مسن بی‌سواد

- 9) i. [telefon] → [telifun] تلفن
 ii. [dajere] ~ [dahire] → [dajire] دایره
 iii. [dʒæng-eʃan] → [dʒæng-iʃu] جنگشان
 iv. [dʒenaze] → [dʒenazi] جنازه
- 10) i. [ʻan mouqe? ʻæslæn telefon næ-bud-e] فارسی معیار
 ii. [ʻu me:ye telefon ʻæslæn næ-bd-e] مرد جوان بی‌سواد

در همه نمونه‌های ذکر شده در شماره (۹)، جایگزینی [e] با [i] به دلیل همگونی واکه با همخوان‌ها، که همگی دارای ویژگی بسته بودن هستند، صورت گرفته است (برای توضیح پیرامون این فرایند واجی ر.ک. به حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

جایگزینی [a] با [o]

افراشتگی واکه [a] و جایگزینی آن با [o] در دو جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است. این تنوع واکهای را کرد زعفرانلو کامبوزیا و شعبانی (۱۳۸۶: ۳۶-۳۷) در گویش گیلکی رودسر نیز مشاهده و تنها توجیه زیرساختی آن را خط بیان نموده‌اند.

الف- میان هجا

این متغیر در جایگاه میان هجای CVC و CVCC پیش از همخوان‌های خیشومی [m] و [n] مشاهده شده است.

- 11) i. [pansæd] → [ponsæd] پانصد
 ii. [sælām] → [sælom] سلام
 iii. [mi-tʃæsband] → [mi-tʃæsbond] می‌چسباند
- 12) i. [hodud-e pansæd metr-i ba hæm fasele pejda mi-kærd-ænd] فارسی معیار
 ii. [hodud-e ponsæd metr-e xod hæm fasele pe:da mi-kerd-e] مرد جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

افراشتگی واکه [a] و جایگزینی آن با [o] در جایگاه پایان هجا تنها در واژه‌های زیر و پس از همخوان‌های خیشومی

یکدیگر شباهت دارند نمی‌شوند و از این رو برای جلوگیری از ابهام در دریافت و درک گفتار، فرایند ناهمگونی روی می‌دهد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، آقاگل‌زاده و رضائی، ۱۳۸۷: ۹۷).

- 23) i. [næmaz] → نماز [nemaz]
 ii. [dʒæhæt] → جهت [dʒehæt]
 iii. [tʃæmæn] → چمن [tʃemæn]

24) i. [nehbændan be dʒæhæt-e færhæng-i dʒozʔ-e se ta fæhr-e mohemm-e kefvær 'æst]

فارسی معیار

ii. [nehbændan be dʒehæt-e færhæng-i dʒozv-e se ta fæhr-e mohemm-e kefvær hæst-e]

مرد مسن باسواد

با توجه به جدول‌های (۱) و (۲)، تحصیلات نقش مهمی در ایجاد گویش اجتماعی داشته است به طوری که با افزایش تحصیلات، استفاده از صورت معیار به میزان قابل توجهی افزایش و فراشتگی واکه [æ] کاهش یافته است. در همه گروه‌ها، به جز گروه گویشوران مسن بی‌سواد، گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. در گروه جوانان و گویشوران مسن، افزایش سن در بین همه گروه‌ها به جز گروه گویشوران زن بی‌سواد، با کاهش استفاده از فراشتگی واکه [æ] همراه بوده است. در گروه سنی نوجوانان، دختران دارای والدین باسواد و بی‌سواد درصد کم‌تر استفاده از متغیر فراشتگی واکه [æ] را نسبت به افراد مسن باسواد و بی‌سواد به خود اختصاص داده‌اند که این اختلاف در مورد نوجوانان دختر دارای والدین باسواد بسیار ناچیز است؛ در حالی که فراشتگی این واکه در بین پسران دارای والدین باسواد و بی‌سواد نسبت به گویشوران مسن هم‌گروه خود بیشتر است. به علاوه، جنسیت نیز نقش مهمی در ایجاد تمایز میان دختران و پسران داشته است؛ به گونه‌ای که دختران گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

جدول ۱. درصد فراشتگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e] در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	زن		مرد	
	جوان	مسن	جوان	مسن
باسواد	درصد فراوانی	۷	۱۲/۶۹	۷
	درصد فراوانی	۱۵/۹۰	۳۷	۳۹/۷۰
بی‌سواد	درصد فراوانی	۷	۱۲/۶۹	۷
	درصد فراوانی	۱۵/۹۰	۳۷	۳۹/۷۰

۱. لازم به ذکر است از میان تنوعات واکه‌های مختلف، تنها آن‌هایی که بسامد وقوع بالایی داشتند مورد بررسی آماری قرار گرفتند.

در نمونه‌های (i)، (ii) و (iii) شماره (۱۷) فراشتگی واکه [o] را می‌توان در قالب همگونی واکه با همخوان توجیه کرد که واکه [o] به دلیل بسته‌تر بودن همخوان که در مجاورت آن قرار دارد با [u] جایگزین شده است.

جایگزینی [æ] با [e]

واکه [æ] در دو جایگاه میان و پایان هجا میل به فراشتگی دارد و با [e] جایگزین می‌شود.

الف - میان هجا

فراشتگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e] در هجای CVC مشاهده شده است. در نمونه‌های (i) و (ii) شماره (۱۹) هماهنگی واکه‌ای رخ داده است. یعنی، واکه [æ] از لحاظ فراشتگی با واکه هجای مجاور [i] همگون شده است و در نمونه (iii) ناهمگونی رخ داده است.

- 19) i. [zændʒir] → زنجیر [zendʒir]
 ii. [næzdik] → نزدیک [nezdik]
 iii. [tʃælvær] → شلوار [ʃelvar]

20) i. [tup ra be sæng-ha mi-zæn-im] فارسی معیار

ii. [tupp-e mi-zæn-e væ sæng-a]

دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

به علاوه، با توجه به داده‌های زبانی موجود، بیشتر موارد فراشتگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e] در میان هجا، به شناسه‌های فعلی سوم شخص مفرد [-æd] و شناسه سوم شخص جمع [-ænd] فعل مضارع و شناسه سوم شخص جمع [-ænd] فعل ماضی مربوط می‌شود؛ در همه این موارد، بخش همخوان شناسه‌ها نیز حذف شده است.

- 21) i. [dar-æd] → دارد [dar-e]
 ii. [mi-kon-ænd] → می‌کند [mi-kn-e]
 ~ [me-kn-e] ~ [me-n-e]

22) i. [fouhær-æm foql-e 'azad dar-æd] فارسی معیار

ii. [fouhær me foyl-e 'azad dar-e]

زن جوان بی‌سواد

ب - پایان هجا

تنوع واکه‌ای فراشتگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e] در جایگاه پایان هجا بسیار بیشتر از جایگاه میان هجا مشاهده شده است. در نمونه‌های ارائه شده در شماره (۲۳) ناهمگونی واکه‌ای رخ داده است. در بیان علت فرایند ناهمگونی می‌توان گفت گاهی شنوندگان متوجه تقابل آواهایی که بسیار به

متغیر را به خود اختصاص داده‌اند. اما این اختلاف در بین گویشوران زن مسن مشهودتر است. در گروه جوانان و گویشوران مسن، افزایش سن در بین همه گروه‌ها، به‌جز گروه گویشوران زن بی‌سواد، با کاهش استفاده از تنوع افراشتگی واکه [a] همراه بوده است. در همه گروه‌ها، به‌جز گروه گویشوران مسن بی‌سواد، گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. در گروه نوجوانان، دختران و پسران نوجوان دارای والدین باسواد و پسران دارای والدین بی‌سواد نسبت به گویشوران مسن هم‌گروه خود درصد بیشتری از افراشتگی واکه [a] را به خود اختصاص داده‌اند که این میزان در بین دختران دارای والدین بی‌سواد نسبت به گویشوران مسن بی‌سواد کمتر است. از طرفی، دختران دارای والدین بی‌سواد نسبت به پسران دارای والدین بی‌سواد، کمتر از واکه [u] استفاده کرده‌اند؛ این در حالی است که استفاده از این واکه میان دختران و پسران باسواد تمایز ایجاد نمی‌کند زیرا اختلاف درصد استفاده از تنوع واکه‌ای [u] در گفتار آن‌ها بسیار ناچیز است.

جدول ۳. درصد افراشتگی واکه [a] و جایگزینی آن با [u] در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	زن		مرد	
	جوان	مسن	جوان	مسن
	درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد
باسواد	۳۰	۳۷/۱۴	۳۴	۵۵/۹۳
بی‌سواد	۶۰	۷۹/۴۱	۴۵	۷۱/۲۱

جدول ۴. درصد افراشتگی واکه [a] و جایگزینی آن با [u] در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین	دختر		پسر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد	۸۰/۹۵	۱۷	۸۰/۷۶	۲۱
بی‌سواد	۷۷/۱۹	۴۴	۸۸/۸۸	۲۴

بررسی تنوعات واکه‌ای بر حسب افتادگی واکه^۱

جایگزینی [e] با [i]

گویشوران نهبندانی در دو جایگاه میان هجا و پایان هجا واکه [i] را جایگزین [e] نموده‌اند.

۱. تبیین سیر تحول تاریخی این تنوعات واکه‌ای نیاز به بررسی تاریخی بیشتری دارد. در این پژوهش، صرفاً نحوه وجود هم‌زمانی آن‌ها در داده‌های زبانی مربوط توصیف شده است.

جدول ۲. درصد افراشتگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e] در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین	دختر		پسر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد	۱۲/۵	۵	۳۷/۲۵	۱۹
بی‌سواد	۲۵	۱۳	۷۲/۲۲	۲۶

تبدیل [a] به [u]

این تنوع واکه‌ای در فارسی نهبندانی همچون فارسی معیار، در میان و پایان هجا و قبل از همخوان‌های خیشومی [m] و [n] وقوع یافته است.

الف- میان هجا

در همه موارد مشاهده شده، افراشتگی واکه [a] و جایگزینی آن با [u] در جایگاه میان هجای CVC پیش از خیشومی‌های [m] و [n] صورت گرفته است و در بیشتر مواقع نیز پس از جایگزینی [a] با [u] همخوان خیشومی پایانی حذف شده است.

- 25) i. [ʃam] → [ʃum] شام
 ii. [xahær-an] → [xahær-un] خواهران
 iii. [baran] → [barun] ~ [baau] باران
 26) i. [mæsælæn be mæsdʒed-e golestan mi-ræv-ænd] فارسی معیار
 ii. [be mæsæn mætʃed golestu mi-r-e]

زن جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

این متغیر در جایگاه پایان هجا پیش از همخوان خیشومی [n] و [m] مشاهده شده است. در واژگان چندهجایی این تنوع در مرز هجایی که با یکی از دو همخوان خیشومی [m] و [n] آغاز می‌شود وقوع یافته است.

- 27) i. [dæftær xane] → [dæftær xune] دفترخانه
 ii. [mi-setan-ænd] → [me-stun-e] می‌ستانند
 28) i. [ʔindʒa jek dæftær xane hæst]

فارسی معیار

- ii. [ʔindʒa jek-i dæftær xune hæstæ]

مرد مسن بی‌سواد

بررسی جدول‌های (۳) و (۴) نشان می‌دهد که گویشوران باسواد نسبت به گویشوران بی‌سواد درصد کمتری از کاربرد این

الف- میان هجا

به‌علاوه، در پاره‌ای از موارد، واکه [e] در جایگاه پایانی پیشوند مضارع [mi-] نیز آمده است. مانند:

- 35) i. [mi-ʃod-ænd] می‌شدند → [me-ʃd-e]
 ii. [mi-kon-ænd] می‌کنند → [mi-kn-e] ~ [me-kn-e] ~ [me-n-e]
 36) i. [mæn to ra ke mi-fenas-æm] فارسی معیار
 ii. [me to ræ xo me-fnas-o] زن مسن بی‌سواد

جایگزینی [u] با [o]

واکه [u] در دو جایگاه میان و پایان هجا با [o] جایگزین شده است.

الف- میان هجا

جایگزینی واکه [u] با [o] در جایگاه میانی، در هجای CVC و CVCC مشاهده شده است. این موارد نشان می‌دهد همخوان [u] پیش از خوشه همخوانی [-nd] و [-xt] به [o] تبدیل شده است.

- 37) i. [gusfænd] گوسفند → [gospænd]
 ii. [axund] آخوند → [axond]
 iii. [duxt] دوخت → [doxt]
 38) i. [ʔæz tʃænd sal-e piʃ xub piʃræft kærð-e ʔæst] فارسی معیار
 ii. [ʔæz tʃæn sal piʃ xob piʃræft kerd-e] زن جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

در زیر نمونه‌هایی از جایگزینی واکه [u] با [o] در پایان هجا آمده است.

- 39) i. [tʃupan] چوپان → [tʃoppu]
 ii. [tuman] تومان → [tomæ]
 40) i. [tʃupan-ha mi-ræft-ænd] فارسی معیار
 ii. [tʃoppun-u me-ræft-e] مرد جوان باسواد

جایگزینی [o] با [a]

جایگزینی واکه [o] با [a] در دو جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

جایگزینی واکه [o] با [a] در مرز هجایی که به [r] ختم می‌شود و هجای پس از آن با [d] شروع می‌شود و پیش از هجایی که به خوشه همخوانی rd ختم می‌شود مشاهده شده

جایگزینی واکه [e] با [i] در جایگاه میانی هجای CVC، تنها در چند واژه مشاهده شده است. در نمونه‌های (i) و (ii) این جایگزینی در اثر پدیده هماهنگی واکه‌ای رخ داده است. بقیه موارد جایگزینی [e] با [i] به شناسه اول شخص جمع [-im] و شناسه دوم شخص جمع [-id] افعال زمان گذشته و حال مربوط می‌شود و در گفتار گویشوران مختلف مشاهده شده است. در مورد شناسه‌ها، کاربرد واکه [e] با حذف همخوان همراه است.

- 29) i. [birdzænd] بیرجند → [berdzæn]
 ii. [rixt-e] ریخته → [rext-æ]
 iii. [kon-id] کنید → [ken-e]
 iv. [mi-ræv-im] می‌رویم → [mi-r-e]
 30) i. [mærdom biʃtærʔæz birdzænd ja zahedan bæraje-ʃan væsaʔel-i tʃiz-i ra mi-gir-ænd]

فارسی معیار
 ii. [mærdom ʔæz berdzæn ja zahedan vær xo væsaʔel-e tʃiz-i re biʃtær mi-gir-e] زن جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

واکه [e] در جایگاه پایان هجا علاوه بر چند واژه، در نشانه 'یای' نکره ([i-]) فارسی به تکرار مشاهده شده است. گویشوران نهبندانی در بیشتر موارد نشانه نکره [i-] را با واکه [-e] جایگزین کرده‌اند.

- 31) i. [væli] ولی → [væle]
 ii. [xejli] خیلی → [xe:le]
 iii. [jæʔni] یعنی → [jæ:ne]
 32) i. [be ʔin dʒur jæʔni mi-gereft-ænd] فارسی معیار
 ii. [væ ʔi dʒur jæ:ne mo-groft-e] مرد مسن بی‌سواد

نمونه‌های زیر جایگزینی واکه [e] با [i] در جایگاه نشانه نکره را نشان می‌دهد.

- 33) i. [bæradær-i] برادری → [bæradær-e]
 ii. [famil-i] فامیلی → [famil-e]
 34) i. [mi-ræv-im xane-(j)-e bæradær-i xahær-i] فارسی معیار
 ii. [mi-r-e xune bæradær-e xahær-e] زن جوان بی‌سواد

واژه [jæk] نیز باید گفت که این صورت زبانی، صورت زیرین است که در فارسی معیار واکه [æ] آن افراشته و با [e] جایگزین شده است. از آنجا که در این پژوهش به مطالعه هم‌زمانی گویش نهبندانی پرداخته شده است، سیر تحول تاریخی این واژه مد نظر قرار نگرفته است.

- 46) i. [jæk dʒa-(j)-i tæfri-gah-e xof 'ab o hæva-(j)-i be-ræv-id tæfrih be-kon-id] فارسی معیار
 ii. [jæg dʒa-(j)-i tæfrigah-e xof 'ab o hævaj-e be-r-e tæfrih be-kn-e] مرد مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

بیشتر موارد جایگزینی واکه [e] با واکه [æ] در جایگاه پایان هجا وقوع یافته است. با توجه به داده‌های موجود، این جایگزینی زمانی اتفاق افتاده است که هجای کناری دارای یکی از واکه‌های [i]، [a] و [e] بوده است. از طرفی، فرایند ناهمگونی و هماهنگی واکه‌ای در ایجاد این تنوع واکه‌ای نقش داشته است.

- 47) i. [serke] سرکه → [serkæ]
 ii. [sebil] سیبیل → [sæbil]
 iii. [lebas] لباس → [læbas]
 iv. [kefej] کشش → [kæfej]
 48) i. [jæk dʒa-(j)-i tæfri-gah-e xof 'ab o hæva-(j)-i be-ræv-id tæfrih be-kon-id] فارسی معیار
 ii. [jæg dʒa-(j)-i tæfrigah-e xof 'ab o hævaj-e be-r-e tæfrih be-kn-e] دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

بررسی جدول‌های (۵) و (۶) نشان می‌دهد که عامل تحصیلات در تمایز گفتار گویشوران مسن باسواد و بی‌سواد نقش مهمی داشته است به طوری که گویشوران مسن باسواد نسبت به گویشوران مسن بی‌سواد، در گفتار خود، به میزان کمتری از واکه [æ] استفاده کرده و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. اما این تنوع واکه‌ای تأثیری در تمایز گفتار گویشوران جوان نداشته است چرا که جوانان باسواد به میزان بیشتری از این تنوع واکه‌ای استفاده کرده و گفتارشان از فارسی معیار فاصله گرفته است. بین افزایش سن و استفاده از واکه [æ] در بین زنان و مردان بی‌سواد رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی، با افزایش سن میزان استفاده از واکه [æ] افزایش یافته است. در گروه باسواد با افزایش سن استفاده از واکه [æ]

است. این تنوع واکه‌ای تنها در صورت‌های مختلف فعل‌های 'xordæn' و 'femordæn' پیش از همخوان روان [r] مشاهده شده است.

- 41) i. [mi-xor-d] می‌خورد → [mi-xar-d]
 ii. [femord-æm] شمردم → [fomard-o]
 42) i. [be jad-æm 'æst ke pul-ha ra femord-æm] فارسی معیار
 ii. [pul-a re væ jad men-e ke fomard-o] مرد مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

استفاده از واکه [a] در این جایگاه تنها در صورت التزامی و منفی فعل 'xordæn' و پیش از همخوان روان [r] مشاهده شده است.

- 43) i. [be-xor-ænd] بخورند → [b-xar-e]
 ii. [næ-xor-æd] نخورد → [næ-xar-æ]
 44) i. [zohr næmaz ke tæmam mi-fæv-æd digær mi-ræv-ænd nan be-xor-ænd] فارسی معیار
 ii. [nemaz ke tæmu mi-f-u dige mi-r-e nu b-xar-e zohr] مرد جوان بی‌سواد

جایگزینی [e] با [æ]

جایگزینی واکه [e] با [æ] در جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

کاربرد این تنوع واکه‌ای در جایگاه میانی هجای CVC، با بسامد کم، در چند واژه، که در زیر نمونه‌هایی از آن‌ها آمده، مشاهده شده است. این تنوع واکه‌ای در اثر هماهنگی واکه‌ای و ناهمگونی پدید آمده است.

- 45) i. [qeble] قیله → [yæble]
 ii. [qesmæt] قسمت → [yæsmæt]
 iii. [jek] یک → [jæk]

در نمونه (i) شماره (۴۵) ناهمگونی واکه‌ای صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که واکه افراشته [e] در مجاورت هجای دارای واکه افراشته [e] ویژگی افراستگی را از دست داده است و با واکه افراشته [æ] جایگزین شده است. در نمونه (ii) همین شماره هماهنگی واکه‌ای رخ داده است؛ یعنی، واکه هجای اول با واکه هجای دوم همگون شده است. در مورد

- ii. [bud] → [bid] بود
 iii. [tænur] → [tænir] تنور
 iv. [durtær] → [dirtær] دورتر
- 50) i. [bæla **dur** o bæla **dur** bæla 'æz xane-(j)-e ma **dur**] فارسی معیار
 ii. [bæla **dir** o bæla **dir** bæla 'æs xune ma **dir**] زن مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

این تنوع واکه‌ای در همه نمونه‌های شماره (۵۱) تحت تأثیر پدیده هم‌هنگی واکه‌ای صورت گرفته است به طوری که واکه [u] در هجای اول تحت تأثیر واکه پیشین هجای بعد، تبدیل به واکه پیشین [i] شده است. این تنوع واکه‌ای در جایگاه پایان هجا در واژه‌های بسیاری و عمدتاً در گفتار گویشوران مسن بی‌سواد مشاهده شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- 51) i. ['omum-i] → ['omim-i] عمومی
 ii. ['azuqe] → ['aziye] آذوقه
 iii. [fuxi] → [fīxi] شوخی
- 52) i. [hær kæs-i ba xanevade-(j)-e xod-æf mi-ræv-æd **ru**-(j)-e kefman] فارسی معیار
 ii. [hær kæs-i xod xunevæde xod xo mi-r-ævæ **ri** kefmu] مرد جوان بی‌سواد

جایگزینی [o] با [i]

پیشین‌شدگی واکه [o] و جایگزینی آن با [i] در میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

پیشین‌شدگی واکه [o] و جایگزینی آن با [i] در جایگاه میانی هجای CVC و CVCC مشاهده شده است.

- 53) i. [donja] → [dinja] دنیا
 ii. [xord] → [xird] خورد
- 54) i. ['an dæm baz doxtær-æm be **donja** 'amæd] فارسی معیار
 ii. ['u dæm vaz doxtær me væ **dinja** 'imæ] زن مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

پیشین‌شدگی واکه [o] در پایان هجا، پس از همخوان‌های انسدادی [k] و [d] در واژه‌های زیر مشاهده شده است.

در بین زنان افزایش و در بین مردان کاهش یافته است. گفتار زنان در گروه گویشوران جوان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. دختران و پسران نوجوان هر دو گروه دارای والدین باسواد بی‌سواد نسبت به زنان و مردان مسن هم‌گروه خود به نسبت کمتری از واکه [æ] استفاده نموده و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. در هر دو گروه، دختران درصد کمتر استفاده از واکه [æ] را به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین، جنسیت در این گروه تمایزدهنده است.

جدول ۵. درصد جایگزینی [e] با [æ] در گفتار جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	مرد		زن	
	مسن		مسن	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
باسواد	۱۲	۳۳/۵۲	۳۰	۴۲/۸۵
بی‌سواد	۳۴	۶۲/۹۶	۲۵	۳۵/۷۱

جدول ۶: درصد جایگزینی [e] با [æ] در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین	دختر		پسر	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
باسواد	۳	۱۳/۳۳	۴	۱۳/۳۳
بی‌سواد	۱۹	۳۶/۵۳	۲۳	۵۶/۰۹

بررسی تنوعات واکه‌ای بر حسب پیشین‌شدگی

جایگزینی [u] با [i]

یکی از موارد گوناگونی واکه [u] که در پیکره زبانی گویشوران نهبندانی مشاهده شده است، پیشین‌شدگی آن در دو جایگاه میان و پایان هجا است.

الف- میان هجا

پیشین‌شدگی واکه [u] و جایگزینی آن با [i] در میان هجا در مجاورت همخوان‌های روان [r] و [l]، پیش از همخوان انسدادی [d] و خیشومی [n] مشاهده شده است. این تنوع واکه‌ای عمدتاً در اثر هم‌هنگی واکه‌ای رخ داده است به طوری که در نمونه (iv) شماره (۴۹)، هجای دارای واکه پسین [u] با واکه پیشین هجای مجاور یعنی [æ] از لحاظ پیشین‌شدگی همگون و با [i] جایگزین شده است.

- 49) i. [pul] → [pil] پول

- 62) i. [ʔærus-i væ damadi-(j)-eʃan ra xeʃli
moxtæsær migir-ænd] فارسی معیار
ii. [ʔæres o dumad ʃe mæxtæsær mi-gir-e
xe:li] مرد مسن بی‌سواد

در گونه نهبندانی نمونه (i) شماره (۶۱) هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته است به طوری که واکهٔ پسین هجای اول با واکهٔ پیشین هجای مجاور همگون شده است و در نمونه (ii) شماره (۶۱) ناهمگونی واکه‌ای صورت گرفته است یعنی واکهٔ پسین [o] در مجاورت واکهٔ پسین [a] ویژگی پسین بودن خود را از دست داده است و با واکهٔ پیشین [æ] جایگزین شده است.

ب- پایان هجا

بیشتر موارد پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [æ] مربوط به جایگاه پایان هجا است. این جایگزینی در اثر دو پدیدهٔ هماهنگی واکه‌ای و ناهمگونی رخ داده است. موارد مشاهده شده نشان می‌دهد چنانچه هجای بعد از [o] واکهٔ پسین [a] باشد، پدیدهٔ ناهمگونی رخ می‌دهد و چنانچه هجای بعد از واکهٔ [o] واکهٔ پیشین [æ] باشد، پدیدهٔ هماهنگی واکه‌ای رخ می‌دهد.

- 63) i. [doʔa] دعا → [dæʔa]
ii. [morad] مراد → [mærad]
iii. [moʔæjjæn] معین → [mæʔæjjæn]
iv. [mohælle] محله → [mæhælle]

- 64) i. [ʔælʔan moʔællem ʔæst tædris mi-kon-ænd]
فارسی معیار
ii. [ʔælan mæʔællem hæsse tædris me-kn-e]
زن جوان بی‌سواد

در گونه نهبندانی نمونه‌های (i)، (ii) و شماره (۶۳) ناهمگونی واکه‌ای صورت گرفته است یعنی واکهٔ پسین [o] در هجای اول، در مجاورت واکهٔ پسین [a] در هجای دوم ویژگی پسین بودن خود را از دست داده و با واکهٔ پیشین [æ] جایگزین شده است. اما در نمونه‌های (iii) و (iv) شماره (۶۳) هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته است؛ یعنی، واکهٔ پسین [o] هجای اول با واکهٔ پیشین [æ] در هجای دوم همگون و با واکهٔ پیشین [æ] جایگزین شده است.

جایگزینی [a] با [æ]

این متغیر در فارسی نهبندانی در جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

- 55) i. [kodʒa] کجا → [kidʒa]
ii. [do] دو → [di] ~ [du]
56) i. [kodʒa mi-ræv-i] فارسی معیار
ii. [kidʒa mi-r-i] زن جوان بی‌سواد

جایگزینی [e] با [o]

پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [e] در جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [e] در هجای ابتدایی واژگان چندهجایی و تنها در مجاورت همخوان آغازین انسدادی چاکنایی [ʔ] مشاهده شده است.

- 57) i. [ʔonvan] عنوان → [ʔenvan]
ii. [ʔosta] اُستا → [ʔesta]
58) i. [bozorg-e xanevade be ʔonvan-e pedær-e
damad madær-e damad xastegar-i mi-ræv-ænd]
فارسی معیار
ii. [bozorg-e xunevade be ʔenvan-e pedær-e
damad madær-e damad mi-r-e xassegar-i]
زن جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

در ادامه مواردی از پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [e] در جایگاه پایان هجا آورده شده است.

- 59) i. [ʃod-e] شده → [ʃed -e]
ii. [bolænd] بلند → [belend]
iii. [dorost] درست → [deres]
60) i. [dampærvær-i hæm ke xeʃli xærab ʃod-e
ʔæst] فارسی معیار
ii. [dampærvær-i-(j)-æ xo xe:li xærab ʃed-e]

مرد مسن بی‌سواد

جایگزینی [o] با [æ]

پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [æ] در دو جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

پیشین‌شدگی واکهٔ [o] و جایگزینی آن با [æ] در جایگاه میانی هجای CVC در واژه‌های زیر مشاهده شده است.

- 61) i. [moxtæsær] مختصر → [mæxtæsær]
ii. [tʃador] چادر → [tʃadær]

الف- میان هجا

واکهٔ پسین [a] با واکهٔ پیشین [e] در هجای مجاور همگون و با واکهٔ پیشین بلند [e:] جایگزین شده است.

- 69) i. [pa] پا → [pe:]
 ii. [bazi] بازی → [be:zi]
 iii. [tarik] تاریک → [te:rik]
 iv. [ʃæhrdar-i] شهرداری → [ʃæhrde:r-i]
 v. [tabestan] ~ [te:bestu] تابستان → [tabestun]
 70) i. [ʔan mouqe? boxari næft-i næ-bud-e ʔæst]
 فارسی معیار
 ii. [ʔu moye boxe:ri næft-i næ-bd-e] مرد جوان بی‌سواد

با توجه به جدول‌های (۷) و (۸)، در گروه گویشوران جوان و مسن، تحصیلات نقش مهمی در کاهش استفاده از این تنوع واکه‌ای و شکل‌گیری گویش اجتماعی داشته است به طوری که با افزایش تحصیلات، گفتار گویشوران به فارسی معیار نزدیک‌تر شده است. در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر بوده است. در گروه زنان باسواد و مردان بی‌سواد، افزایش سن با کاهش استفاده از این تنوع واکه‌ای همراه بوده است. نوجوانان دختر و پسر دارای والدین باسواد و بی‌سواد نسبت به زنان و مردان مسن هم‌گروه خود به نسبت کمتری از تنوع واکه‌ای پیشین‌شدگی واکهٔ [a] استفاده نموده‌اند. البته باید گفت بین گفتار دختران نوجوان دارای والدین باسواد و زنان مسن باسواد هم تفاوتی در میزان استفاده از این تنوع واکه‌ای مشاهده نشده است و هر دو گروه اصلاً از این تنوع واکه‌ای استفاده نموده‌اند. در بین دختران و پسران دارای والدین باسواد، دختران درصد کمتری از پیشین‌شدگی واکهٔ [a] را به خود اختصاص داده‌اند و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. بنابراین، جنسیت در این گروه تمایزدهنده است. به طور کلی، مشاهدات نشان داد تنوعات واکه‌ای که بیشتر جنبهٔ تاریخی داشته‌اند یعنی آن دسته از تنوعات واکه‌ای که صورت قدیمی فارسی را در بر دارند و یا به گویش منطقه‌ای خاص اختصاص دارند، در گفتار گویشوران مسن نمود بیشتری دارند.

جدول ۷. درصد پیشین‌شدگی واکهٔ [a] و جایگزینی آن با [e:] در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	زن		مرد	
	جوان	مسن	جوان	مسن
	درصد	درصد	درصد	درصد
باسواد	۱۰	۰	۳۷/۵	۴۵/۴۵
بی‌سواد	۳۰	۶۴	۸۸	۵۶/۲۵

در فارسی نهبندانی، پیشین‌شدگی واکهٔ [a] و جایگزینی آن با [æ] در جایگاه میان هجا، پیش از همخوان سایشی [h] مشاهده شده است. در فارسی نهبندانی در همهٔ داده‌های شمارهٔ (۶۵) واکهٔ کشیدهٔ [a] پیش از همخوان [h] با واکهٔ کوتاه [æ] جایگزین شده است. در چنین مواردی «حذف همخوان [h] در پایان هجا یا کلمه، بعد از واکه‌های کشیده، موجب کشش جبرانی نمی‌شود. اما اگر فرایند حذف [h] صورت نگیرد واکه‌های کشیده [æ:]، [u:]، [i:] قبل از همخوان [h] به واکه‌های کوتاه تبدیل می‌شوند» (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

- 65) i. [kahdan] کاهدان → [kæhdun]
 ii. [sijah] سیاه → [sijæh]
 iii. [rah] راه → [ræh]
 66) i. [tʃɛfm-ha-(j)-e ʃah ra sijah mi-kærd-ænd]
 فارسی معیار
 ii. [tʃæf-a ʃah-æ sijæh mi-kerd-e] مرد مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

در زیر نمونه‌هایی از پیشین‌شدگی واکهٔ [a] و جایگزینی آن با [æ] در جایگاه پایان هجا نشان داده شده است.

- 67) i. [ʔindʒa] اینجا → [ʔindʒæ]
 ii. [maman] مامان → [mæmæn]
 iii. [ta] تا → [tæ]
 68) i. [ʔandʒa ke ræft-im be ma xof gozæft]
 فارسی معیار
 ii. [ʔundʒæ ke ræft-e va ma xof gozæft]
 پسر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

جایگزینی [a] با [e:]

در فارسی نهبندانی، پیشین‌شدگی واکهٔ [a] و جایگزینی آن با [e:] تنها در پایان هجا مشاهده شده است.

پیشین‌شدگی واکهٔ [a] و جایگزینی آن با [e:] در پایان هجا در واژه‌هایی صورت گرفته است که واکهٔ هجای آخر آن‌ها [i] و یا واکهٔ هجای پس از آن‌ها [e] بوده است. البته، این پیشین‌شدگی در واژه‌هایی که واکهٔ هجای آخر آن‌ها نشانهٔ نکره [i] بوده است، صورت نگرفته است. این جایگزینی تحت تأثیر پدیدهٔ هماهنگی واکه‌ای اتفاق افتاده است؛ یعنی، در همهٔ نمونه‌های (ii)، (iii) و (iv) شمارهٔ (۶۹)، واکهٔ پسین [a] با واکهٔ پیشین [i] در هجای مجاور و در نمونهٔ (v) شمارهٔ (۶۹)،

الف- میان هجا

پسین‌شدگی واکه [e] و جایگزینی آن با [o] در میان هجای CVC و عمدتاً در مجاورت همخوان خیشومی [m] مشاهده شده است.

- 75) i. [ʔemruz] امروز → [ʔomruz] ~ [ʔomru]
 ii. [ʔemʃæb] امشب → [ʔomʃe:]
 iii. [jusef] یوسف → [jusof]
 76) i. [mesl-e hala hæmmam næ-bud] فارسی معیار
 ii. [mos-e hala hæmmum næ-bi] زن مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

پسین‌شدگی واکه [e] و جایگزینی آن با [o]، در جایگاه پایان هجای واژگان چندهجایی، تحت تأثیر پدیده ناهمگونی اتفاق افتاده است.

- 77) i. [lebas] لباس → [lovas]
 ii. [fatome] فاطمه → [fatome]
 iii. [se] سه → [so]

پسین‌شدگی واکه [e] و جایگزینی آن با [o] در جایگاه پایان هجا علاوه بر واژه‌های ذکر شده، در پیشوند التزامی [be-] نیز مشاهده شده است. مانند:

- 78) i. [be-gozar] بگذار → [bo-gzar]
 ii. [be-bænd-æm] ببندم → [bo-bænd-o]

پسین‌شدگی واکه [e] و جایگزینی آن با [o] در صورت التزامی گونه نهبندانی افعال [goftæn]، [gozardæn] و [bæstæn] در اثر پدیده هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته است. این هماهنگی واکه‌ای در فعل [bæstæn] در اثر همگونی واکه پیشین [e] با واکه هجای آخر که پسین است، صورت گرفته است. مثال‌های زیر چگونگی این همگونی‌ها را نشان می‌دهند:

- 79) i. [be] + [gu] گو + [bo] → [bogu]
 ii. [be] + [bænd] بند + [æm] ام → [be] + [bænd] + [om] → [bo-bænd-o]

- 80) i. [hala ke se bar bæraje næmaz mi-ræv-æm hosejnije] فارسی معیار
 ii. [hala xo mi-r-a so var vær nemaz hosejnije] زن جوان بی‌سواد

جدول ۸. درصد پیشین‌شدگی واکه [a] و جایگزینی آن با [e:] در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

پسر		دختر		والدین
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۳	۳۳/۳۳	۰	۰	باسواد
۴	۵۰	۸	۴۲/۱۰	بی‌سواد

بررسی تنوعات واکه‌ای بر حسب پسین‌شدگی

جایگزینی [i] با [u]

پسین‌شدگی واکه [i] و جایگزینی آن با [u] تنها در پایان هجا و در گفتار گویشوران مسن بی‌سواد مشاهده شده است.

- 71) i. [ʔærus-i] عروسی → [ʔæres-u]
 ii. [færaq-i^۱] فراقی → [fere:y-u]
 72) i. [færda ja pæs færda ma ʔærus-i dar-im]

فارسی معیار

- ii. [færda ja pæs færda ma ʔæres-u dar-e]

زن مسن بی‌سواد

جایگزینی [i] با [o]

پسین‌شدگی واکه [i] و جایگزینی آن با [o] تنها در پایان هجا مشاهده شده است.

الف- پایان هجا

پسین‌شدگی واکه [i] و جایگزینی آن با [o] در جایگاه پایان هجا، تنها در پیشوند مضارع [mi-] و در اثر پدیده هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته است.

- 73) i. [mi-gereft-ænd] می‌گرفتند → [mi][goroft-e]
 ~ [mo-groft-e]
 ii. [mi-koj-im] می‌کشیم → [mo-kj-e]
 iii. [mi-gozar-im] می‌گذاریم → [mo-gzar-e]
 74) i. [gusfænd-i tʃiz-i mi-koj-ænd] فارسی معیار
 ii. [gusfond-i tʃiz-i mo-kj-e]

پسر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

جایگزینی [e] با [o]

پسین‌شدگی واکه [e] و جایگزینی آن با [o] در دو جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

۱. این واژه از کلمه فراق به معنای جدایی گرفته شده است و در گویش نهبندانی به معنی مرثیه‌هایی است که در مراسم عزای خوانده می‌شود.

ii. [tʃarʃomme suri yædim xo vær xo mi-ræft-e ru bun-a] زن مسن بی‌سواد

قابل ذکر است کلمه چهارشنبه در فارسی معیار هم دچار چنین تحولی شده است. علاوه بر موارد بالا، پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [o] در میان هجا، در جایگاه شناسه اول شخص مفرد [-æm]، با بسامد بالا مشاهده شده است. این جایگزینی با حذف بخش همخوان شناسه فعلی همراه است.

87) i. [hæst-æm] هستم → [hæst-o]
 ii. [ferestad-æm] فرستادم → [ferestad-o]
 88) i. [xædidʒe ra ba 'u ferestad-æm] فارسی معیار
 ii. [xædidʒe re xod-u ferestad-o] مرد جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [o] در پایان هجا در موارد زیر مشاهده شده است.

89) i. [dʒævan-an] جوانان → [dʒovun-u]
 ii. [mæʔaden] معادن → [moʔaden]
 iii. [zæban] زبان → [zovu] ~ [zæbun]
 90) i. [mæʔaden zijad dar-æd] فارسی معیار
 ii. [moʔaden zijad dar-eh] زن مسن باسواد

در همه نمونه‌های (۸۹)، جایگزینی [æ] با [o] در شرایطی اتفاق افتاده است که هجای مجاور دارای واژه پسین و افتاده [a] بوده است. این تنوع واکه‌ای در اثر پدیده هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته و واژه پیشین [æ] در هجای اول از لحاظ پسین‌شدگی با واژه پسین [a] در هجای مجاور همگون شده است.

جایگزینی [æ] با [a]

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [a] در جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [a] در جایگاه میان هجا در شناسه اول شخص مفرد [-æm] مشاهده شده است؛ واژه [æ] پس از حذف همخوان پایانی در فارسی معیار، در پایان هجا قرار گرفته است. البته، قبلاً ذکر شد که واژه [æ] در شناسه اول شخص مفرد [-æm] دارای تنوعات واکه‌ای [o] و [u] نیز هست که در همه موارد، میل به پسین‌شدگی وجود دارد.

جایگزینی [æ] با [u]

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [u] در میان و پایان هجا صورت گرفته است.

الف- میان هجا

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [u] در میان هجا، در جایگاه شناسه اول شخص مفرد [-æm] کلیه افعال و همچنین شناسه سوم شخص مفرد [-æd] فعل 'شدن'، صورت گرفته است. این فرایند با حذف همخوان از شناسه نیز همراه است؛ مانند:

81) i. [hæst-æm] هستم → [hæst-u]
 ii. [xord-æm] خوردم → [xord-u]
 iii. [bord-æm] بردم → [bord-u]
 82) i. [xane dar hæst-æm] فارسی معیار
 ii. [xune dar hæst-u] زن جوان بی‌سواد

ب- پایان هجا

این متغیر در پایان هجا تنها در واژه [dævazdæh] مشاهده شده است.

83) i. [dævazdæh] دوازده → [duvazdæh]
 84) i. [hæmin ke xoda-(j)-i dævazdæh ruz-e bud-e 'æst]^۱
 فارسی معیار
 ii. [hæmi ke xoda-(j)-i duvazdæh ruz-æ b-d-æ]

زن مسن بی‌سواد

جایگزینی [æ] با [o]

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [o] در دو جایگاه میان و پایان هجا مشاهده شده است.

الف- میان هجا

پسین‌شدگی واژه [æ] و جایگزینی آن با [o] در جایگاه میان هجای CVC و CVCC و پیش از همخوان‌های خیشومی [m] و [n] مشاهده شده است.

85) i. [gusfænd] گوسفند → [gosfond]
 ii. [mæhræm] محرم → [mehrom]
 iii. [tʃæhar ʃænbe] چهارشنبه → [tʃarʃæmme]
 ~ [tʃarʃomme]
 86) i. [tʃæharʃænbe suri qædim ke bæraje-ʃan ru-(j)-e bam-ha mi-ræft-ænd] فارسی معیار

۱. این جمله را گویشور در حال اشاره به دخترش و در حین تعریف یک ماجرا بیان می‌کند.

جایگزینی

با توجه به داده‌های زبانی به دست آمده، واکه مرکب [ej] دارای دو تنوع واکه‌ای [i] و [e:] است که تنوع واکه‌ای [i] تنها در واژه [ejd] مشاهده شده است. این واکه مرکب در میان و پایان هجا میل به ساده شدن دارد.

الف- میان هجا

مواردی از ساده‌شدگی واکه مرکب [ej] در میان هجا عبارت‌اند از:

- 97) i. [xejr] → [xe:r] خیر
 ii. [fejx] → [fe:x] شیخ
 98) i. [ʔejd-e nouruz hæm ke mi-ræv-im ru-(j)-e sæbz-e] فارسی معیار
 ii. [ʔe:d ne:ruz-æ xo mi-r-e ru se:z-e] پسر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

ب- پایان هجا

در زیر مواردی از ساده شدن واکه مرکب [ej] در پایان هجا آورده شده است.
 مواردی از ساده‌شدگی واکه مرکب [ej] در میان هجا عبارت‌اند از:

- 99) i. [pejda] → [pe:da] پیدا
 ii. [xejli] → [xe:le] خیلی
 100) i. [xejli ʔehsas-e qæfæng-i daʃt-æm] فارسی معیار
 ii. [xe:le ʔehsas-e qæfæng-i daʃt-æm] دختر نوجوان دارای والدین باسواد

با توجه به جدول‌های (۹) و (۱۰) در گروه گویشوران جوان و مسن، با بالا رفتن تحصیلات، ساده‌سازی واکه مرکب [ej] کاهش یافته است. در بین زنان باسواد و مردان بی‌سواد افزایش سن با کاهش استفاده از این تنوع واکه‌ای همراه است. مردان جوان و مسن باسواد به یک میزان ساده‌سازی این واکه را انجام داده‌اند. در بین زنان بی‌سواد افزایش سن با افزایش ساده‌سازی واکه مرکب [ej] همراه است. در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، به‌جز گروه گویشوران مسن بی‌سواد، زنان از این تنوع واکه‌ای کمتر استفاده کرده‌اند. در گروه نوجوانان، پسران و دختران دارای والدین باسواد نسبت به گویشوران مسن باسواد درصد بیشتر استفاده از این تنوع واکه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، اما در مورد نوجوانان

- 91) i. [resand-æm] → [resund-α] رساندم
 ii. [be-ræv-æm] → [be-r-æm] بروم
 ~ [b-r-α]
 92) i. [mi-xast-æm be-ræv-æm hæman xane] فارسی معیار
 ii. [mi-xast-o b-r-α hamu xune] مرد مسن بی‌سواد

ب- پایان هجا

پسین‌شدگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [α] در جایگاه پایان هجا در واژه‌های زیر و در مجاورت همخوان چاکنایی [h] مشاهده شده است. در نمونه (i) جایگزینی [æ] با [α] در جایگاه پس از [h] با حذف همخوان [h] همراه است. اما در نمونه (ii) جایگزینی این واکه در مرز هجایی که هجای پس از آن با [h] شروع می‌شود با حذف همخوان [h] همراه نیست.

- 93) i. [mælhæfe] → [mælafe] ملحفه
 ii. [bæhar xab] → [bahar xab] بهارخواب
 94) i. [ʔæksæræn færf-i dar-ænd lebas-i dar-ænd ja mæsælæn mælhæfe dar-ænd mi-bær-ænd qænat-e homri] فارسی معیار
 ii. [ʔæksæræn færf-e dar-e lebas-i dar-e ja mæsælæn mælafe dar-e mi-bær-e qænat homri] زن مسن باسواد

این متغیر در جایگاه پایان هجا، علاوه بر واژه‌های ذکر شده، در پیشوند نفی [næ-] نیز مشاهده شده است.

- 95) i. [næ-xah-i] → [na-xa-(j)-i] نخواهی
 96) i. [væli ru-(j)-e maʃin-ha bæraje-ʃan mi-ræv-ænd xah næ-xah-i ʃager ʃufer mi-ʃæv-ænd] فارسی معیار
 ii. [væli ri maʃin-a vær xo mi-r-e xa na-xa-(j)-i ʃager ʃufer mi-ʃ-e] زن جوان باسواد

وقوع تنوع واکه‌ای پسین‌شدگی واکه [æ] در نمونه بالا را می‌توان تحت تأثیر پدیده هماهنگی واکه‌ای توجیه کرد.

ساده شدن واکه‌های مرکب

واکه‌های مرکب معمولاً، در گفتار غیر رسمی، جایگزین واکه‌های ساده می‌شوند. در پیکره زبانی به دست آمده از گویشوران نهبندانی نیز دو واکه مرکب پیشین [ej] و پسین [ou] میل به ساده شدن دارند.

- iii. [rouze] → [re:ze] ~ [re:zæ] روضه
 iv. [rouqæn] → [ruvæ] روغن
 104) i. [xod-æm rouze mi-ræv-æm] فارسی معیار
 ii. [xod me re:zæ mi-r-ɑ] زن مسن بی‌سواد

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات با تنوعات واکه‌ای به کار رفته در گفتار گویشوران نهبندانی مونث و مذکر در سه گروه سنی شامل نوجوانان (۷-۱۲) دارای والدین باسواد و بی‌سواد، جوانان (۳۰-۲۵) و افراد مسن بالای ۵۰ سال باسواد و بی‌سواد پرداخته شد. پس از تجزیه و تحلیل آماری برخی از تنوعات واکه‌ای که در گفتار گویشوران مونث و مذکر دو گروه باسواد و بی‌سواد از بسامد وقوع بالایی برخوردار بودند، ملاحظه گردید تحصیلات عامل مهمی در شکل‌گیری گویش اجتماعی است، به گونه‌ای که گفتار گویشوران باسواد نسبت به گویشوران بی‌سواد به فارسی معیار نزدیک‌تر است. این نتیجه در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش‌های جهانگیری (۱۹۸۸)، داورپناه (۱۳۸۵)، سماعی (۱۳۸۴)، لیاو (۲۰۰۱) و مدرسی (۱۹۷۸) است. برخی تنوعات واکه‌ای از جمله افراستگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e:]، که طبق پژوهش کرد زعفرانلو (۱۳۸۵) با فرایند تضعیف همراه است، تنها در گفتار گویشوران بی‌سواد مشاهده شده است. طبق گفته مدرسی (۱۳۹۶)، در یک جامعه زبانی، افراد دارای تحصیلات بالاتر بخش گسترده‌تری از پیوستار سبکی یا گنجینه زبانی را در اختیار دارند. از طرفی گروه‌های تحصیلی پایین، دارای پیوستار سبکی بسته‌ای هستند و امکانات محدودتری در اختیار دارند و از این رو در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، از گونه سبکی کم و بیش ثابتی استفاده می‌کنند در حالی که گویندگان تحصیل کرده که علاوه بر گونه محاوره‌ای به گونه‌های سبکی رسمی‌تری نیز تسلط یا آشنایی دارند، پیوستار زبانی گسترده‌تری را در اختیار داشته و می‌توانند در هر موقعیت، گونه مناسب را انتخاب کنند و به کار گیرند.

علاوه بر تحصیلات، جنسیت نیز نقش مهمی در تمایز گفتار گویشوران و ایجاد گویش اجتماعی دارد به طوری که در همه گروه‌ها گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر است؛ البته، به‌جز گروه گویشوران زن مسن بی‌سواد که تنها در پیشین‌شدگی واکه [ɑ] و جایگزینی آن با [e:]، گفتار آن‌ها نسبت به مردان هم‌گروه خود معیارتر بوده است. غیر معیارتر

دارای والدین بی‌سواد عکس این مسئله وجود دارد. از طرفی نوجوانان دختر نسبت به پسران، این تنوع واکه‌ای را کمتر به کار برده‌اند و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

جدول ۹. درصد ساده شدن واکه مرکب [ej] و جایگزینی آن با [e:] در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	زن		مرد	
	مسن	جوان	مسن	جوان
باسواد	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بی‌سواد	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
	۴۰/۷۴	۱۱	۲۶/۰۸	۱۲
	۶۶/۶۶	۱۶	۶۶/۶۶	۱۶
	۷۸/۹	۱۵	۸۶/۶۶	۲۶
			۲۱	۲۷/۳۷
			۸۴	۱۷

جدول ۱۰. درصد ساده شدن واکه مرکب [ej] و جایگزینی آن با [e:] در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین	دختر		پسر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد	۴۶/۱۵	۶	۷۳/۹۱	۱۷
بی‌سواد	۴۰	۱۰	۷۰/۵۸	۱۲

جایگزینی [ou] با [o] ~ [e:] ~ [u]

با توجه به داده‌های زبانی موجود، واکه مرکب [ou] در بین گویشوران نهبندانی دارای چهار تنوع واکه‌ای [o:]، [u]، [o] و [e:] است. ساده شدن واکه مرکب [ou] در دو جایگاه میان هجا و پایان آن مشاهده شده است. در جایگزینی [ou] با [e] ابتدا [ou] با [o] جایگزین و سپس تحت تأثیر پدیده پیشین‌شدگی با [e] جایگزین شده است.

الف- میان هجا

در زیر مواردی از ساده شدن واکه مرکب [ou] در جایگاه میان هجا آورده شده است.

- 101) i. [zouq] → [ze:y] ذوق
 ii. [dour] → [de:r] ~ [do:r] دور
 iii. [houz] → [he:z] حوض

102) i. [mi-tfærxan-im dour-e sær-eman] فارسی معیار

- ii. [mi-tfærxun-e de:r sær xo] مرد جوان باسواد

ب- پایان هجا

- 103) i. [nouruz] → [ne:ruz] نوروز
 ii. [doulæt-i] → [de:læt-i] دولتی

نسبت داد. اما در بقیه تنوعات واکه‌ای، آن‌ها درصد بیشتری از تنوعات زبانی را به خود اختصاص داده‌اند و گفتارشان از فارسی معیار فاصله گرفته است. این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق در فارسی است که نشان می‌دهد ویژگی‌های غیر معتبر فارسی در رفتار زبانی گروه‌های سنی پایین‌تر کاربرد بیشتری دارد و برعکس، ویژگی‌های معتبر در رفتار زبانی گروه‌های سنی بالاتر، به طور نسبی، بیشتر ظاهر می‌شوند (مدرسی، ۱۳۹۶). البته در مورد تنوع واکه‌ای ساده شدن واکه مرکب [e:] و جایگزینی آن با [e:] نوجوانان دختر دارای والدین بی‌سواد، نسبت به گویشوران مسن هم‌گروه خود، از این تنوع واکه‌ای کمتر استفاده کرده‌اند. نتیجه به دست آمده از این تنوع واکه‌ای خاص در راستای پژوهش داور پناه (۱۳۸۵) و سماعی (۱۳۸۴) است که در آن نوجوانان طبقه پایین نسبت به میانسالان هم‌طبقه خود کمتر تغییرات زبانی را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان گفت کاهش استفاده از صورت‌های غیر معیار تحت تأثیر تحصیلات و حضور آن‌ها در مدرسه است.

نوجوانان دارای والدین باسواد نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد از آن دسته از تنوعات واکه‌ای که به گویش محلی‌شان مربوط می‌شوند کمتر استفاده کرده‌اند و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. می‌توان گفت گویش اجتماعی هر دو گروه نوجوانان دارای والدین باسواد و بی‌سواد تحت تأثیر بسامد وقوع این تنوعات واکه‌ای در گفتار والدین آن‌هاست به طوری که والدین باسواد از تنوعات واکه‌ای کم‌اعتبار فارسی کمتر استفاده می‌کنند. اما در مورد آن دسته از تنوعات واکه‌ای که در فارسی معیار نیز کاربرد دارند، نوجوانان دارای والدین باسواد یا بیشتر از صورت‌های غیر معیار استفاده کرده‌اند و یا اختلاف گفتار آن‌ها با گروه نوجوانان دارای والدین بی‌سواد ناچیز است.

به طور کلی، آن دسته از تنوعات واکه‌ای که بیشتر جنبه تاریخی داشته‌اند، (یعنی آن دسته از تنوعات واکه‌ای که صورت قدیمی فارسی را در بر دارند) و یا صرفاً به گویش نهبندانی اختصاص دارند، مانند پیشین‌شدگی واکه [a] و جایگزینی آن با [e:] در گفتار گویشوران مسن بی‌سواد نمود بیشتری دارند و گویشوران جوان به‌ندرت از این تنوعات واکه‌ای استفاده کرده‌اند. پس از بررسی داده‌های زبانی این گویش مشخص شد که تحصیلات مهم‌ترین عامل در ایجاد گویش اجتماعی و تنوع زبانی در این جامعه زبانی کوچک است و با افزایش تحصیلات استفاده از برخی صورت‌های

بودن گفتار گویشوران زن مسن نسبت به گویشوران مرد هم‌گروه‌شان را می‌توان به حضور کم‌رنگ این گروه از زنان در اجتماع نسبت داد. همچنین درباره تنوع واکه‌ای جایگزینی [e] با [æ]، نتایج نشان داد مردان مسن، در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. این یافته بر خلاف اکثر پژوهش‌هایی است که معیارتر بودن گفتار زنان را گزارش کرده‌اند. معیارتر بودن گفتار مردان (گفتار مردان مسن طبقه بالا) در پژوهش نگارندگان (۱۳۸۸) و سماعی (۱۳۸۴) نیز مشاهده شده است. علاوه بر این، جنسیت در هر دو گروه نوجوانان دارای والدین باسواد و بی‌سواد، تمایزدهنده است؛ به طوری که میزان تنوعات زبانی در بین دختران نوجوان نسبت به پسران نوجوان هر دو گروه کمتر و گفتار آن‌ها به فارسی معیار نزدیک‌تر است. بررسی‌های جدید که به دنبال پژوهش‌های لباو در شهر نیویورک به انجام رسیده، به شیوه‌ای علمی نشان داده‌اند که میان جنسیت و رفتار زبانی همبستگی‌هایی وجود دارد و بنابراین می‌توان بخشی از گوناگونی‌های موجود در زبان یک جامعه را بر اساس جنسیت گویندگان آن زبان توضیح داد. مطالعه فارسی تهران در بافت اجتماعی آن نیز همبستگی جنسیت با برخی از تنوعات زبانی را به طور کلی آشکار می‌سازد (مدرسی، ۱۳۹۶).

افزایش سن در گروه جوانان و گویشوران مسن در سه تنوع واکه‌ای افراستگی واکه [æ] و جایگزینی آن با [e]، افراستگی واکه [a] و جایگزینی آن با [u]، ساده شدن واکه مرکب [e:] و جایگزینی آن با [e:] با کاهش استفاده از صورت‌های غیر معیار همراه بوده است. البته، به‌جز گروه گویشوران زن مسن بی‌سواد که نسبت به جوانان گفتارشان غیر معیارتر بوده است. این امر می‌تواند به دلیل عدم حضور فعال در اجتماع و در نتیجه محدود بودن گونه سبکی آن‌ها باشد. این نتیجه در راستای پژوهش داورپناه (۱۳۸۵)، طالبی دستتایی و خوشبخت آرانی (۱۳۹۵) راو و چانگ (۲۰۰۶)، لباو (۲۰۰۱) و مدرسی (۱۹۷۸) است که نشان داده است گروه‌های سنی بالاتر در گفتارشان از صورت‌های زبانی دارای اعتبار بیشتر استفاده می‌کنند.

نوجوانان نسبت به گویشوران مسن هم‌گروه‌شان در استفاده از تنوعات واکه‌ای که جنبه تاریخی داشته‌اند و به گویش محلی آن‌ها تعلق دارد مانند پیشین‌شدگی واکه [a] و جایگزینی آن با [e:] محتاط‌تر عمل کرده و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر بود. این موضوع را می‌توان به عدم استفاده گسترده از این تنوعات واکه‌ای در گفتار والدینشان

حاصل همگونی واکه با همخوان و پدیده هماهنگی واکه‌ای است. به طور کلی، از پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت گویش‌های اجتماعی حتی در جوامع زبانی کوچکی که همبستگی زبانی آن‌ها زیاد است و به گویش خودشان صحبت می‌کنند نیز وجود دارند. البته در مورد برخی تنوعات زبانی موجود الگوی کم و بیش متفاوتی نسبت به نتایج تحقیقات گذشته مشاهده شده است که نیازمند تحقیقات بیشتری است.

زبانی به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که بررسی نقش سن در ایجاد گویش اجتماعی، به ویژه در گروه جوانان و افراد مسن، برای رسیدن به یک الگوی واحد، تحقیقات بیشتری را می‌طلبد. عامل جنسیت در گروه افراد مسن بی‌سواد، برخلاف بیشتر تحقیقات گذشته، الگوی متفاوتی را نشان داد بدین ترتیب که گفتار مردان در این گروه به فارسی معیار نزدیک‌تر است. از طرفی بررسی داده‌ها نشان داد بخش زیادی از تنوعات زبانی در گویش نهبندانی

منابع

گویش آران و بیدگل. زبان‌شناسی اجتماعی، سال اول، ش ۱، ۷۵-۸۶.
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه. (۱۳۸۵). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد. تهران: سمت.
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه و شعبانی، منصور (۱۳۸۶). برخی فرایندهای واجی در گویش گیلکی رودسر، زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، ش ۱، ۳۷-۳۶.
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه، آقاگل‌زاده، فردوس و رضایی، علی (۱۳۸۷). برخی فرایندهای واجی در گونه زبانی شیرگاه از گویش مازندرانی. زبان و زبان‌شناسی، سال چهارم، ش ۱، ۹۷.
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه و ممسنی، شیرین (۱۳۸۶). توصیف دستگاه واجی گویش دلواری، زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، ش ۱، ۳۷-۳۶.
مدرسی، یحیی. (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
محمودی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۵). فرهنگ گویشی مردم نهبندان. بیرجند: رزقی.

آهنگر، عباسعلی و شاهسوار، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی متغیرهای اجتماعی-زبانی فارسی در گویش نهبندانی: همخوان‌ها. زبان و زبان‌شناسی، سال پنجم، ش ۱۰، ۷۱-۱۱۴.
آهنگر، عباسعلی و شاهسوار، محبوبه (۱۳۹۳). تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان: ساخت هجا، عناصر ساخت‌واژی و نحوی. زبان پژوهی، سال ششم، ش ۱۳، ۴۴-۷.
جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸). زبان، بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه: مجموعه مقالات. تهران: آگاه.
حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۸۲). آواشناسی (فونیتیک). تهران: آگاه.
داورپناه، الهام. بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد. (۱۳۸۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
سماعی، فهیمه. (۱۳۸۴). بررسی پاره‌ای تغییرات اجتماعی و جغرافیایی زبان فارسی در سبزوار بر پایه نظریه ویلیام لباو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
طالبی دستنایی، مهناز و خوشبخت آرانی، ابوالفضل (۱۳۹۵). تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی زبان بر کاربرد دشواژه‌ها در

Ahangar, A. A., & Shahsavari, M. (2009). A study of sociolinguistic variables of Persian in Nehbandani dialect: Consonants. *Language and Linguistics*, 5(2), 7-43 .
Ahangar, A. A., & Shahsavari, M. (2014). The effect of social variables on the use of linguistic variables of Persian in Nehbandan: Syllable structure, morphological and syntactic elements. *Language Research*, 6(13), 7-43 .
Ash, Sh. (2006). Social class. In, J. K. Chambers., P. Trudgill., & N. Schilling, (Eds.). *The handbook of language variation and change* (pp.402-422). Blackwell.

Chambers, J. K., & Trudgill, P. (1998). *Dialectology*. Cambridge. Cambridge University Press.
Davaranah, E. (2006). *A social study of Persian language in Mashhad*. MA thesis. University of Sistan & Balouchestan.
Haghshenas, A. M. (2003). *Phonetics*. Tehran: Agah.
Hudson, R. A. (1996). *Sociolinguistics* (2nd). New York: Cambridge University Press.
Jahangiri, N. (1980). *A sociolinguistic study of Tehrani Persian*. Doctoral Dissertation. University of London .

- Jahangiri, N. (1999). Language, reflection of time, culture, and thought: Collection of articles. Tehran: Agah.
- Kord-e Zafaranlu Kambuziya, A. (2006). Phonology: Rule-based approaches. Tehran: Samt .
- Kord-e Zafaranlu Kambuziya, A., Aghagolzadeh, F., & Rezaei, A. (2008). A number of phonological processes in Shirgah variety of Mazandarani dialect. *Language and Linguistics*, 4(1), 1-97.
- Kord-e Zafaranlu Kambuziya, A., & Mamasani, Sh. (2007). A description of the phonological system of Delvari dialect. *Language and Linguistics*, 3(1), 36-37.
- Kord-e Zafaranlu Kambuziya, A., & Shabani, M. (2007). A number of phonological processes of Gilaki dialect in Rudsar. *Language and Linguistics*, 3(1), 36-37.
- Labov, W. (1966). The social stratification of English in New York City. Washhngton, D. C.: Center for Applied Linguistics.
- Labov, W. (2001). Principles of Linguistic change: Social factors. Oxford: Blackwell.
- Labov, W. (Ed.). (2006). The social stratification of English in New York City. Cambridge University Press: New York.
- Mahmoudi, Z. (2015). A dictionary of Nehbndani dialect. Birjnd: Rezghi.
- Modaressi, Y. (1978). A sociolinguistic investigation of modern Persian. Ph.D. Dissertation. University of Kansas .
- Modarresi, Y. (2017). An introduction to sociolinguistics. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Rau, D. V. & Chang. H. A. (2006). Phonological variation and sound change in Yami on Orchid Island. In Institute of Ethnology, Academia Sinica. (in Chinese)
- Rau, Der-Hwa Victoria, and Maa-neu Dong. 2005 Yami reduplication. Concentric: Studies in Linguistics .
- Samaei, F. (2005). A study of some socio-geographical variables of Persian language in Sabzevar based on William Labov's Theory. MA thesis. University of Sistan & Balouchestan.
- Talebi Dastnabi, M. & Khoshbakht Arani, A (2015) The effect of sociolinguistic variables on using Linguistic taboos in Ārān and Bidgol dialect, *Journal of Sociolinguistics*, 1(1), 75-86.
- Trudgill, P.(1974). The social differentiation of English in Norwich. Cambridge. Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R. (2006). An introduction to sociolinguistics (5thed). Ford: Blackwell.